



نگاهی به یک اصل متعالی در اسلام

هیچ ضرری نباید بدون جبران بماند

■ زرها هنربخش*

در شرع مقدس، قاعده‌ای وجود دارد که باید گفت نقش بسیار مهم و اساسی در قوانین جزایی کشور ما داشته است که از آن به عنوان قاعده «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» نام برده‌اند. به استناد این قاعده هیچ کس حق ضرر رساندن چه مالی و چه جانی به دیگری را ندارد و اگر ضرری برسانند، مسئول جبران ضرر و خسارت وارده خواهد بود که میان ضررها مسلماً ضرر و زیان‌های بدنی جدی‌تر و جبران آنها نیز سخت‌تر می‌باشد که با عنوان دیه به جبران خسارت پرداخته می‌شود. بی‌تردید اجرای این اصل متعالی می‌تواند یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی- ایرانی در جامعه ما باشد.

■ اخلاق اجتماعی بهترین بازدارنده‌است

در ماده یک قانون مسئولیت مدنی آمده است: هر کس بدون مجوز قانون عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتی

یا به حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.

از مواردی که نسبت به اعمال خسارت و یا وارد کردن ضرر و زیان به افراد جامعه بازدارنده می‌باشد، اخلاق اجتماعی است. هر شخصی که در مناسبات اجتماعی

و روابط انسانی خود اخلاق را سرلوحه قرار دهد، مسلماً هیچ‌گاه سبب ضرر و زیان به دیگران نخواهد شد. در تمام جوامع رفتارهایی وجود دارد که از نظر جامعه پسندیده و جزو هنجارهای آن می‌باشد و در مقابل یکسری موارد نیز ناپسند و منع شده است و در برخی مواقع نیز خطا محسوب شده و گاهی عنوان جرم به خود می‌گیرد.

■ ضرر و زیان به‌غیر از منظر مسئولیت مدنی و قانون در برخی موارد می‌توان مسئولیت مدنی را بر پایه نیت و اراده واقعی و تقصیر شخصی بنا نهاد و آن را از منظر اخلاقی بررسی کرد. در گذشته جوامع تمایل داشتند که اختلافات و نزاع بین افراد را با توجه به قواعد مرتبط با انتقام شخصی حل و فصل کنند و شخص زیان‌دیده نیز در مواقعی که تقصارت ناشی از فعل او جنبه غیر اخلاقی داشته بسیار علاقه‌مند و راغب بوده که قانون را خودش و به شیوه خود اجرا کند.

گفتنی است در اکثر مواقع قانون در مقام جبران زیان به قصد و اراده و نیت عامل زیان توجهی نمی‌کند. بنابراین احساس پنهان شده مسئولیت قانونی باید با سرزنش

سبک تعامل

درد

از مواردی که نسبت به اعمال خسارت و

یا وارد کردن ضرر و زیان به افراد جامعه بازدارنده می‌باشد، اخلاق اجتماعی است. هر شخصی که در مناسبات اجتماعی و روابط انسانی خود اخلاق را سرلوحه قرار دهد، مسلماً هیچ‌گاه سبب ضرر و زیان به دیگران نخواهد شد

درد

از مواردی که نسبت به اعمال خسارت و

■ انحراف از رفتار اخلاقی، تقصیر است

در مباحث حقوقی انحراف و تجاوز از رفتاری که از نظر اجتماع و به خاطر حفظ حقوق دیگران لازم می‌باشد، تقصیر قلمداد شده‌است. در دنیای پیرامون ما رفتارهای بسیاری وجود دارد که در قالب تقصیر و خطا گنجانده می‌شود، اما شاید همیشه و در هر صورتی در خصوص آنها طرح دعوی نشود یا اگر هم در رابطه با آن دعوایی طرح شود، موفقیت‌آمیز نباشد. رفتارهایی نظیر دروغ، تهمت، غیبت، نسبت ناروا، توهین، نمک‌نشناسی و امتناع از ادب و نزاکت، خودخواهی و دورویی و حتی خودداری کردن از کمک‌رسانی به دیگران و هموعانی که به مدد ما نیاز دارند و ما نیز توانایی کمک به آنها را داریم، در اکثر موارد مسئولیت مدنی جنبه نظم و انضباط عمومی دارد و با امور اخلاقی مرتبط است.

■ مسئولیت مدنی از ۳ منظر

در حقوق ایران، مسئولیت مدنی به‌طور عام به الزام شخص برای جبران ضرر و زیان و خسارات وارده به دیگری است و باید گفت اعم از اینکه منشأ ضرر، جرم یا خسارات ناشی از ضرر غیر عمدی و یا عدم اجرای قرارداد یا قانون باشد، مسئولیت وجود دارد. سه نوع مسئولیت مدنی وجود دارد: از جمله: مسئولیت مدنی ناشی از جرم، مسئولیت خارج از قرارداد و مسئولیت ناشی از قرارداد.

در مورد مسئولیت مدنی ناشی از جرم می‌توان گفت هر گاه کسی ضمن ارتکاب جرم، به شخص دیگری ضرر و زیان و خسارتی وارد کند، علاوه بر محکومیت کیفری، باید زیان وارد شده به فرد را نیز جبران کند.

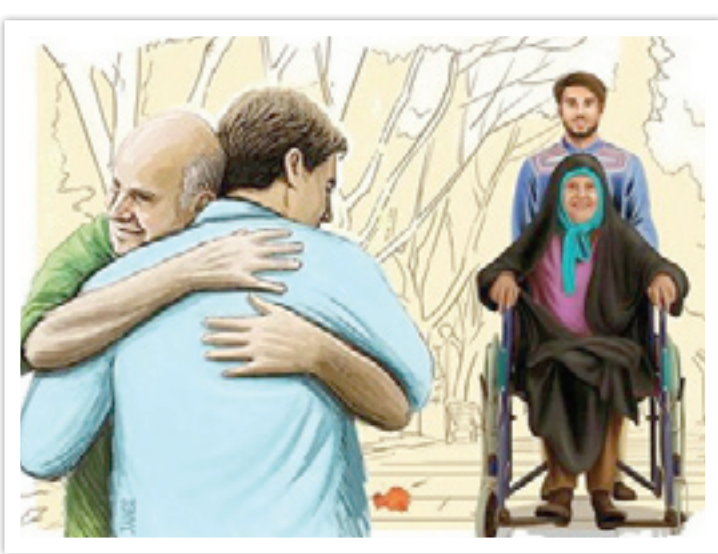
همچنین در مسئولیت خارج از قرارداد، اگر شخصی، الزامات و تعهدات قانونی و عمومی را ندید بگیرد و به دیگری زیانی وارد کند، متخلف شناخته می‌شود که این تعریف برای مسئولیت مدنی در مفهوم خاص، به کار می‌رود.

در رابطه با مسئولیت ناشی از قرارداد نیز باید گفت این نوع مسئولیت بر اثر تخلف از مفاد قرارداد، بر عهده اشخاص قرار می‌گیرد. به‌طور مثال هر وقت میان فرد زیان‌دیده و عامل زیان قراردادی وجود داشته باشد و خسارتی بر اثر نقض قرارداد، به وجود بیاید، این نوع مسئولیت شکل می‌گیرد و زمانی که تعهدات قرارداد انجام نگیرد شخص

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۴۹۸۴۷۱

سبک رفتار



حرمت فردای ما در گروی احترام امروز به والدین

لذت زندگی در نیکی به شما دو بزرگوار است

■ صدیقه کامور

خوشبختی و آرامش در دنیا و آخرت و رسیدن به سعادت در گروی احترام به والدین است. خداوند متعال این‌عالم را طوری قرار داده که این‌گونه باشد و نحوه رفتار ما با والدین مان در سر نوشت ما نقشی تعیین‌کننده داشته باشد. به همین دلیل احترام به والدین از جایگاه والایی برخوردار است. همانطور که خداوند پس از بیان پرستش خدای یگانه، به احترام و نیکی به والدین اشاره کرده و می‌فرماید: «به پدر و مادر نیکی کنید». از تباط بین والدین و فرزندان یک اصل مهم ارتباطی است که همیشه جریان دارد و پدر و مادر ما همان فرزندان قبل بوده‌اند. به همین جهت است که پدر و مادر حکم ریشته درخت را نسبت به شاخه‌ها دارند. والدین انسان از جمله کسانی هستند که بیشترین حق را به گردن فرزندان دارند. آنان علاوه بر اینکه در خلقت و حیات فرزندان سهم تعیین‌کننده‌ای دارند، در رشد و بزرگ کردن آنها نیز نقش بسزایی دارند. از این رو میان انسان‌ها کسی پیدا نمی‌شود که تا این حد به فرزندان خدمت کرده و دلسوز آنها باشند. پس شایسته است که پاسخ‌چنین زحمات طاقت‌فرسایی به بهترین‌وجه ممکن داده شود و احسان به والدین هم کمترین کاری است که می‌توان نسبت به آنها انجام داد. هر چند حق آنها بیش از آن است که فرزندان بتوانند آن را ادا کنند.

احترام و تکریم والدین نقطه شروعی برای یادگیری فرزندان ماست، چون کودکان ما آئینه تمام‌نمای والدین‌شان هستند و به سرعت از آنها تقلید می‌کنند که چه برخوردهایی از پدر و مادر‌شان دیده‌اند. بچه‌ای که امروز می‌بیند پدر و مادرش هیچ ارزشی برای پدر و مادر بزرگ قائل نیستند، فردا در دوران پیری پدر و مادر خویش چگونه عمل خواهد کرد؟ آنان مسلماً همان راهی را پیش می‌گیرند که الگوهای عملی‌شان رفته بودند. سرانجام درست در آن لحظه‌ای که باید دست پدر و مادر خویش را بگیرند و محترمانه برخورد کنند، آنان را به باد تکب، تحقیر... خواهند گرفت. «از مکافات عمل غافل مشو، گندم ز گندم بروید، جوز جو،» این‌پند را حکایت می‌کند.

روزی روزگاری پیرمردی ضعیف و رنجور تصمیم گرفت با پسر و عروس و نوه چهارساله‌اش زندگی کند. دستان پیرمرد می‌لرزید، چشمانش تار شده و گام‌هایش مردرد و لرزان بود. اعضای خانواده هر شب برای خوردن شام دور هم جمع می‌شدند، اما دستان لرزان پدر بزرگ و ضعف چشمانش خوردن غذا را تقریباً برایش مشکل ساخته بود. نخود پزگی‌ها از توی قاشقش قل می‌خوردند و روی زمین می‌ریختند، یا وقتی لیوان را می‌گرفت غالباً شیر از داخل آن روی رومیزی می‌ریخت. پسر و عرووش از آن همه ریخت و پاش کلافه شدند. نهایتاً پسر گفت باید فکری برای پدر بزرگ کرد. به قدر کافی ریختن شیر و غذا خوردن پر سر و صدا و ریختن غذا روی زمین را تحمل کرده‌ام. پس زن و شوهر برای پیرمرد، در گوشه‌ای از اتاق میز کوچکی قرار دادند. در آنجا پیرمرد به تنهایی غذاپیش را می‌خورد، در حالی که سایر اعضای خانواده سر میز از غذای خود لذت می‌برند و از آنجا که پیرمرد یکی دو ظرف را شکسته بود حلال‌در کاسه‌ای چوبی به او غذا می‌دادند.

گاهی‌ها آنها چشم‌شان به پیرمرد می‌افتاد و آن وقت متوجه می‌شدند همچنان که در تنهایی غذاپیش را می‌خورد، چشمانش پر از اشک است، اما تنها چیزی که این پسر و عروس به زبان می‌آوردند تذکره‌های تند و گزنده‌ای بود که موقع افتادن

درد

احترام و تکریم والدین نقطه شروعی برای یادگیری فرزندان ماست. چون کودکان ما آئینه تمام‌نمای والدین‌شان هستند و به سرعت از آنها تقلید می‌کنند که چه برخوردهایی از پدر و مادر‌شان دیده‌اند. بچه‌ای که امروز می‌بیند پدر و مادرش هیچ ارزشی برای پدر و مادر بزرگ قائل نیستند، فردا در دوران پیری پدر و مادر خویش چگونه عمل خواهد کرد؟ آنان مسلماً همان راهی را پیش می‌گیرند که الگوهای عملی‌شان رفته بودند

چنگال یا ریختن غذا به او می‌دادند. کودک چهار ساله‌شان در سکوت شاهد تمام آن رفتارها بود. یک شب قبل از شام مرد جوان پسرش را سرگرم بازی با تکه‌های چوبی دید که روی زمین ریخته بود. با مهربانی از او پرسید پسر ما چی می‌سازی؟ پسر که هم با ملایمت جواب داد یک کاسه چوبی کوچک تا وقتی بزرگ شدم با آن به تو و مامان غذا بهم. این سخن کودک آنچنان پدر و مادرش را تکان داد که زبان‌پند آمد و سپس اشک از چشمان‌شان جاری شد. آن شب مرد جوان دست پدر را گرفت و با مهربانی او را به سمت میز شام برد. قدرت درک کودک‌ان فوق‌العاده است. چشمان آنها پیوسته در حال مشاهده گوش‌های‌شان در حال شنیدن، ذهن‌شان در پردازش پیام‌های دریافت‌شده است. اگر ببینند ما صبورانه فضای شادی را برای خانواده تدارک می‌بینیم، این‌نگرش را الگوی زندگی‌شان قرار می‌دهند.

این داستان تلنگری است برای ما یادآوری‌کند که زمین‌گرد است و اگر چاله‌ای روی آن کنسیم، می‌چرخد و بالاخره خودمان نیز درون آن می‌افتیم. پس نتیجه اعمال انسان‌ها به خودشان بازمی‌گردد، چراکه جهان، جهان عمل و عکس‌العمل است. اکنون باید با خود اندیشید که پدر و مادر با چه زحماتی ما را از فرش به عرش رساندند. پدر و مادری که از سهم خود از دنیا زدند تا ما از آنها سهمی داشته باشیم، خود به خود گشتند تا ما به عرش برسیم و حتی از شکم خود گذشتند تا ما را سیر کنند. پدر و مادر چون یغابانی هستند که دانه‌ای را کاشته و این‌دانه وقتی می‌دهند و انتظار دارند وقتی بزرگ شد، از ثمره‌اش استفاده کنند، اما اگر برعکس شود و این‌دانه وقتی رشد کرد و هر بار به هر شکلی به آنان آسیب رساند و تمام زحماتش نابود شد، آن موقع چه احساسی در وجود او بد باغبان شکل خواهد گرفت؟

پدر و مادری که ما را به دنیا می‌آورند تا کمک‌حال آنها باشیم، اما چه بسا به بهانه درس و مشق کمکی به آنها نمی‌کنیم، حتی والدین با وجود این بی‌احترامی، غذا و لباس‌های ما را آماده می‌کنند. چگونه ساعت‌ها حضوری یا آنلاین با دوستان خود وقت می‌گذاریم، اما حتی یک ساعت کنار والدین خود نمی‌نشینیم و حتی دروغ از یک تماس تلفنی پنج دقیقه‌ای! والدینی که ما را بزرگ کردند و به ما سرپناه دادند، چگونه ما که بزرگ شده‌ایم و دارای خانه هستیم، حاضر نمی‌شویم از آنان در خانه خود نگهداری کنیم. با پدر و مادر خود رفتار می‌کنیم که دوست داریم در آینده فرزندانمان با ما رفتار کنند. پس کسانی که با پدر و مادر خود نامهربانی‌کنند و با غیظ و غضب با آنان برخورد کنند، نه‌تنها در آخرت مورد عذاب خدای سبحان قرار می‌گیرند، بلکه در دنیا هم هیچ لذت و بهره‌ای از زندگی خود نمی‌برند. حتی گاهی یک اخم کردن به پدر و مادر انسان را سال‌ها در زندگی عقب‌نگه می‌دارد. این مهم‌را فراموش نکنیم که لذت زندگی در نیکی به پدر و مادر است. بیاییم احترام به پدر و مادر را جزو قوانین مهم زندگی خود قرار دهیم تا کامروا و خوشبخت و شاد و به پاس تمامی از خودگذشتگی‌ها، تلاش‌ها و فداکاری والدین‌مان دل آنها را شاد کنیم. نگرانیم یک‌روز که آنها نباشند، پشیمان شویم. رفتارهای زندگی کوتاه است. قدر این دو گل را بدانیم.